

## استخراج فرآیند رشد جامعه اسلامی با تأکید بر سوره حجرات

محمد عبدالحسین زاده\*

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۰/۳

سید یوسف کمالیان\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۲۵

مهدی عبدالحمید\*\*\*

### چکیده

فرآیند رشد جامعه اسلامی از طریق امتحانات و ابتلائات رخ می‌دهد. در این ابتلائات مسلمانان باید جایگاه خود را دانسته، وظیفه خود را در هر وضعیت به درستی تشخیص دهند و درست عمل کنند تا حکومت اسلامی حفظ شود و آن‌ها نیز رشد پیدا کنند. سوره حجرات نیز در بیان حادثه‌ای است که در زمان رسول اکرم اتفاق افتاده است و اینکه مؤمنان اگر اوامر الهی را به درستی انجام دهند حکومت اسلامی قوی‌تر می‌شود و مسلمانان نیز رشد می‌یابند. در این پژوهش با بهره‌گیری از راهبرد تدبر سوره محور و بر اساس روش موضوعی، فرآیند رشد در جامعه اسلامی در امتحانات و ابتلائات توصیف می‌شود.

**کلیدواژگان:** حاکم اسلامی، امتحانات الهی، حکومت اسلامی، تدبر سوره محور.

---

\* دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت گرایش دولتی و سیاستگذاری عمومی دانشگاه امام صادق (ع)؛ پژوهشگر کارگروه حکمرانی پژوهشکده سیاست پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت.

abdolhosseinzadeh@mihanmail.ir

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت گرایش بازرگانی دانشگاه امام صادق (ع)؛ پژوهشگر کارگروه حکمرانی پژوهشکده سیاست پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت.

\*\*\* استادیار و معاون علمی پژوهشکده سیاست پژوهی و مطالعات راهبردی حکمت و مدرس دانشگاه علم و صنعت ایران.

نویسنده مسئول: محمد عبدالحسین زاده

## مقدمه

قرآن کتابی است که از تمام شئون بشر، مبدأ و معاد، خلق و ایجاد، فرهنگ و موضوعات فرهنگی سخن می‌گوید. رجوع به این کتاب بزرگ الهی و این معجزه بزرگ در هر زمینه، به ویژه در زمینه موضوعات فرهنگی و عوامل اعتلاء و انحطاط فرهنگی ضرورت دارد (ممتحن و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۴۵). هدف از زندگی اجتماعی رسیدن انسان به کمال غایی است که در اثر افعال اختیاری، تحقق می‌یابد. بنابراین افعال اختیاری اجتماعی انسان، با هدف مذکور ارتباطی واقعی و تکوینی دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۱۴۸). در این میان انبیاء به عنوان فرستادگان الهی در صدد هستند که با تشکیل حکومت اسلامی بشر را در راه رسیدن به کمال غایی‌اش یاری کنند. پیامبر/اسلام نیز با همین هدف در مدینه حکومت اسلامی را تشکیل داد.

یکی از سنت‌های الهی سنت ابتلاء و امتحان می‌باشد که نه تنها تک تک افراد که حتی جوامع بشری نیز با آن مواجه هستند. خداوند در قرآن حتی هدف خلقت را امتحان و ابتلاء قرار داده است تا مشخص شود که چه کسی بهترین کار را انجام می‌دهد.

﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ﴾ (ملک/۲)

این امتحانات گاه فردی هستند و برای هر فرد به صورت خاص و منحصر به فرد رخ می‌دهد، و گاه امتحاناتی اجتماعی هستند که جامعه را دچار درگیری می‌کنند و به عبارتی به دنبال رشد تمامی افراد در جامعه هستند. حکومت اسلامی نیز با امتحانات و ابتلائات روبه‌رو خواهد شد و هدف از این امتحانات این است که مؤمنان واقعی ایمانشان قوی‌تر شود؛ افراد عادی درجه ایمان و فهم و رشدیافتگی‌شان زیاد شود و منافقین و دشمنان نیز رسوا شوند. در سوره حجرات به خاطر آنکه چند بار پی‌درپی عبارت «یا ایها الذین آمنوا» آمده است، سیمای جامعه اسلامی از آن معلوم می‌شود (قرائتی، ۱۳۸۳: ۹).

سوره حجرات فضایی را ترسیم می‌کند که در آن جامعه اسلامی به واسطه اعمالشان با امتحانی الهی مواجه شده است. از طرف دیگر این سوره در مقام ارائه راهکار گذار جامعه اسلامی در حال رشد، از گردنه‌های بحرانی است.

تأمل و تدبر در عناصر معرفتی هر سوره و کشف ارتباط و انسجام درونی آن با توجه به اصل غایتمندی و هدف‌داری، نشانگر ساختاری جامع و نظام‌مند در سور قرآنی است

که ترسیم آن، هندسه معرفتی هر سوره را آشکار خواهد ساخت به گونه‌ای که می‌توان جایگاه هر عنصر معرفتی را در مجموعه آن منظومه فکری (سوره) نهایتاً منظومه شناختی قرآن کریم روشن ساخت (دیالمه، ۱۳۹۲: ۵۵).

پژوهش حاضر پژوهش توصیفی-تحلیلی است که به دنبال استخراج فرآیند رشد جامعه اسلامی است. فلذا پژوهش حاضر به دلیل توصیفی و اکتشافی بودن آن، فاقد فرضیه پژوهشی است. روش این پژوهش روش تدبیر سوره محور است که در ذیل روش پژوهش به طور کامل در مورد این روش توضیحات کامل داده می‌شود. این پژوهش در صدد است تا با اثبات این موضوع که سوره مبارکه حجرات دارای وحدت موضوع و غرض خاصی که همان راه حل بحران ایجادشده در جامعه اسلامی عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است فضای نزول سوره را روشن تر کند، و سیر رشد جامعه اسلامی در زمان نزول قرآن (که مصداق امروزی نیز دارد) را در ابتلائات و امتحانات و بحران‌های الهی به صورت روشن تر بیان کند. همچنین در صدد است که نحوه فرآیند رشد جامعه اسلامی را با الهام از سوره حجرات مشخص کند تا چراغ راهی برای بحران‌هایی باشد که ممکن است جوامع کنونی درگیر آن باشند.

این سوره با بحران تخریب جایگاه حضرت رسول در جامعه اسلامی مقابله می‌کند. به این صورت که در ابتدا از طریق اوامر خود، راه تخریب شخصیتی پیامبر مسدود می‌گردد و در ادامه با زمینه‌هایی که سبب شد منافقان از آن استفاده کرده و این بحران را ایجاد کنند مقابله می‌کند.

این سوره با بحران برتری طلبی ناشی از جریان مدعیان دروغین ایمان مقابله می‌کند، فعالیت این جریان رابطه اطاعت و ولایت را در میان مؤمنان و پیامبر به مخاطره انداخته، و به تبع آن رابطه برادری گروه‌های گوناگون جامعه ایمانی را نیز دچار خدشه کرده است. در مقابله با این بحران، ابتدا به تنظیم رابطه اطاعت و ولایت می‌پردازد و در پرتو آن در صدد اصلاح رابطه برادری برمی‌آید و در نهایت جریان خنثی‌شده اعراب را افشا می‌کند و مراتب رشد امت اسلامی را به اوج خود می‌رساند. در بیان آسیب‌شناسی این جریان، قرآن کریم بیان می‌دارد که در ابتدای امر جایگاه پیامبر به عنوان حاکم اسلامی در جامعه تضعیف می‌شود و فاسقان در جامعه موج‌سواری کنند و بین مردم بدبینی و

اختلاف ایجاد کنند. این سوره ابتدا به ضرورت اصلاح رابطه مؤمنان با حاکم اسلامی می‌پردازد و تقوای جلو نیفتادن از پیامبر و تبعیت از ایشان را مطرح می‌کند. در گام دوم بحران عمیق‌تری را مد نظر قرار داده و به دنبال اصلاح فرهنگ عمومی جامعه است. در این میان ابتدا به صورت ایجابی بحث می‌کند و مؤمنان را برادر یکدیگر می‌داند و در مرحله بعد به دنبال مقابله با فرهنگ تمسخر و سوء ظن است. در آخر به صورت ریشه‌ای علت اصلی را که عیب‌جویی کردن و تجسس است را زیر سؤال می‌برد. در گام سوم بحث از اصلاح رابطه مؤمنین با خدا است. مقابله با منت‌گذاری مسلمانان به خاطر ایمانشان اولین کار است. ایمان حقیقی باید مبتنی بر صفای دل باشد به‌گونه‌ای که مؤمن حاضر است برای حفظ دین اسلام با جان و مالش جهاد کند.

در شرایط امتحان الهی قرآن کریم با این دستورات سه‌گانه به دنبال این است که فهم و شعور جامعه اسلامی رشد پیدا کند و چهره منافقین برای مردم آشکار شود؛ در این راستا وظایف سختی بر روی دوش حاکم اسلامی و مسلمانان است.

### پیشینه پژوهش

در این بخش پژوهش‌هایی که مرتبط با سوره حجرات است و موضوع تحقیق حاضر است، به طور خلاصه مرور می‌شوند و یافته‌های آن‌ها بیان می‌شود. در پایان نیز جایگاه پژوهش حاضر و نوآوری آن نسبت به سایر پژوهش‌ها آورده می‌شود.

کرمی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی اصول روابط بین فردی بر اساس آموزه‌های اخلاقی - اجتماعی سوره حجرات و مدل‌یابی محتوایی از این آموزه‌ها» با روش پژوهش توصیفی به دنبال استنباط اصول روابط بین فردی بر اساس آموزه‌های سوره حجرات بوده‌اند. آن‌ها در نتیجه‌گیری پژوهش بیان می‌کنند که توجه به تأثیر لحن و تن صدا، نوع نگاه و تماس چشمی، شیوه گوش دادن و توجه به موقعیت‌های گفت‌وگو از جمله آداب روابط بین فردی هستند که در این سوره به آن پرداخته شده است. همچنین بر اساس یافته‌های فوق، مدلی محتوایی در زمینه روابط بین فردی ارائه داده‌اند (کرمی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۹).

دیالمه (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «خردورزی در هندسه معرفتی تفسیر سوره حجرات» بیان می‌کند که هندسه معرفتی سوره حجرات که متضمن آداب و سبک زندگی دینی است، یک هرم چند وجهی است که وجهی از آن به ادب بندگان با حق تعالی، وجهی دیگر به ادب پیروان با رسول خدا(ص) و وجهی به ادب اهل ایمان با یکدیگر نظر دارد. او بیان می‌کند که آنچه در رأس این هرم می‌درخشد خردپذیری گزاره‌های آن و سوق دادن مخاطبان به تعقل در جریان تعبد است. تعلیل احکام، تشبیه محسوس، وضع احکام اعتباری، تغییر خطاب و مرزبندی مفهومی، شیوه‌های این بسترسازی است (دیالمه، ۱۳۹۲: ۵۱).

نوآوری پژوهش حاضر، در بکارگیری راهبرد تدبر سوره محور، برای استخراج فرآیند رشد جامعه اسلامی مبتنی بر سوره حجرات است. تحقیقات گذشته بیش‌تر جنبه‌های اخلاقی و فردی سوره حجرات را مورد بررسی قرار داده‌اند ولی در پژوهش حاضر با نگاه کلان و با نظر داشت جامعه به عنوان واحد تحلیل، درصدد تبیین فرآیند رشد جامعه اسلامی است.

## روش پژوهش

تدبر از ریشه «دبر» به معنی اندیشیدن در پشت و ماوراء امور می‌باشد که ژرف‌اندیشی و عاقبت‌اندیشی را نظر دارد که نتیجه‌اش کشف حقایقی است که در ابتدای امر و نظر سطحی به چشم نمی‌آید (نقی‌پورفر، ۱۳۸۱: ۳۷۱). روشی که در این پژوهش به کار گرفته شده است، بر اساس تدبر در قرآن کریم است، و از میان اقسام روش‌های تدبری، روش تدبر سوره محور برگزیده شده است. ابتدا راهبردهای تدبر در قرآن را ذکر کرده و در ادامه روش منتخب برای پژوهش بیان می‌شود.

## راهبردهای تدبر در قرآن

### ۱. راهبرد تدبر آیه محور

در این راهبرد محقق بر اساس موضوع تحقیق و با کلیدواژه‌های آن، آیاتی را که در آن‌ها، کلیدواژه و یا مشتقات آن آمده است می‌شناسد و انتخاب می‌کند. به دلیل اهمیت

انتخاب کلیدواژه‌ها در راهبرد تدبر آیه محور، مشاوره برای انتخاب کلیدواژه‌ها با استادان مطلع در علوم قرآنی و یا استفاده از کتاب‌های راهنما برای مترادف‌ها و متضادها همچون «فروق اللغویه» عسکری (۱۳۱۲) ضروری و راهگشا است.

سپس، محقق با کتب تفسیری، نکات ذیل هر آیه را به فراخور مسأله پژوهش فیش‌برداری می‌کند. در این مرحله، انتخاب کتاب تفسیری از اهمیت فراوانی برخوردار است. کتاب‌های تفسیری متقن و قابل فهم برای محقق و نزدیک به موضوع تحقیق می‌توانند در ادامه تحقیق به پژوهشگر کمک کنند.

محقق با دسته‌بندی فیش‌ها ذیل هر آیه و همچنین دسته‌بندی موضوعی آن‌ها، به تجزیه و تحلیل یافته‌ها می‌پردازد و نهایتاً پاسخ قرآنی به مسأله تحقیق را تدوین می‌کند. البته این احتمال وجود دارد که محقق برای فهم بهتر آیه و مصادیق آن به آیات قبل و بعد (تا آنجا که به موضوع تحقیق مرتبط است) رجوع کند ولی خود را مقید به سیاق نمی‌کند (لطیفی، ۱۳۹۰).

## ۲. راهبرد تدبر سیاق محور (موضوعی)

در راهبرد تدبر آیه محور تمرکز پژوهشگر بر یک یا چند آیه به صورت منفرد است. در حالی که برخی پژوهشگران علوم قرآنی معتقدند برای بررسی موضوعات پژوهشی، توجه صرف به یک یا چند آیه به صورت منفرد نمی‌تواند جواب در خور و کاملی را داشته باشد؛ از این رو ایشان، واحد سیاق (رکوعات) را برای راهبرد پژوهش تدبری پیشنهاد می‌کنند. سیاق یا رکوعات قرآنی، تقسیمی است که برخی به پیامبر اکرم منسوب کرده‌اند و تعداد آن را ۵۵۵ واحد موضوعی می‌دانند (لطیفی، ۱۳۹۰).

## ۳. راهبرد تدبر سوره محور

یکی از راهبردهای تدبر در قرآن - که طی سال‌های گذشته توجه برخی محققان را جلب کرده است - راهبرد تدبر سوره محور است. در این راهبرد، بیش از آنکه موضوع یا مسأله خاصی مورد توجه پژوهشگر باشد، سوره یا سور خاصی مورد توجه وی است. این روش که به نظر می‌رسد شبیه تفسیر ترتیبی است ولی در مقیاس یک سوره انجام

می‌شود بر این فرض استوار است که علی‌رغم بیان مبین و پرفایده بودن تک‌تک آیات قرآن کریم، برخی سوره‌های قرآنی که به نحو توقیفی رسول اکرم آن‌ها را نظم داده است محور و یا محورهای خاصی دارند که به تناسب این محورها می‌توان آن‌ها را بررسی کرد. بسیاری از مفسران، در ابتدای هر سوره به محورهای اصلی آن اشاره کرده‌اند که با شناخت محورهای مذکور می‌توان سوره‌هایی را انتخاب کرد و به بررسی و تدبر در نکات آن پرداخت.

فرایند عمومی ناظر به این راهبرد عبارت است از (لطیفی، ۱۳۹۰):

۱. انتخاب موضوع
۲. انتخاب سوره و یا سوره‌هایی که بر اساس غرض اصلی سوره، در آن‌ها به این موضوع بیش‌تر پرداخته شده است
۳. مرور آیه به آیه سوره و ثبت و ضبط نکات ذیل هر آیه
۴. جمع‌بندی سوره و تدوین نهایی

#### ۴. راهبرد تدبر داستان محور

راهبرد تدبر داستان محور یکی از راهبردهای پژوهش در مطالعات اسلامی است که به جای تأکید بر کلیدواژه‌ها و سیاق‌های آیات و یا تمرکز بر سوره‌ای خاص، به داستان‌های قرآنی و نکات مستتر در آن توجه می‌کند. در این راهبرد، به بررسی دقیق داستانی قرآنی در خلال آیات و سوره‌های گوناگون پرداخته می‌شود. داستان پیامبران گذشته و نکات مدیریتی در سبک رهبری و اداره ایشان، محل تمرکز پژوهشگر خواهد بود.

فرایند راهبرد تدبر داستان محور عبارت است از (لطیفی، ۱۳۹۰):

۱. انتخاب موضوع پژوهش
۲. انتخاب داستان نزدیک به موضوع پژوهش از طریق مطالعه، مصاحبه و تفکر
۳. شناخت و انتخاب سوره‌ها و آیات مرتبط با داستان مربوط در قرآن کریم
۴. تدبر در آیات و استخراج نکات تدبری ذیل آن‌ها
۵. دسته‌بندی نکات تدبری به صورت تعاقب زمانی و یا موضوعی و تدوین نهایی

## ۵. راهبرد تدبر مسأله محور

پژوهشگران در جامعه، بیش از آنکه با موضوعات کلی مواجه باشند با مسأله‌های خاص مواجه‌اند. ایشان برای تصمیم‌گیری درست و حل مسأله، باید اولاً مسأله را به خوبی بفهمند، محل نزاع را مشخص و سپس حکم متناسب با آن را با توجه به نظام ارزشی صادر کنند. این راهبرد را برای تدبر در قرآن کریم برای پاسخگویی به مسائل می‌توان با عنوان راهبرد تدبر مسأله‌محور صورت‌بندی کرد. در راهبرد تدبر مسأله محور، گام‌های زیر برداشته می‌شود (لطیفی، ۱۳۹۰):

۱. انتخاب موضوع پژوهش
۲. شناخت و تعریف دقیق مسأله (واسازی مسأله) با توجه به مسائل واقعی جامعه
۳. تدوین مسأله و یا مسائل
۴. عرضه مسأله به قرآن مبین با تأکید بر مرور کامل کل قرآن و تدبر در تک‌تک آیات
۵. نگارش نکات تدبری ذیل هر آیه با ذکر شماره آیه
۶. دسته‌بندی مفهومی نکات تدبری ذیل مقولات کلی‌تر
۷. ایجاد شبکه مفهومی از مقولات برای پاسخ به مسأله

در این پژوهش روشی که استفاده می‌شود روش تدبر سوره محور است. روش انجام کار به این گونه است که ابتدا با مطالعه تفاسیری که به تفسیر این سوره پرداخته‌اند بالأخص تفسیر «المیزان» محورهای کلی سوره و سیاق بندی آن مشخص شد. در گام بعدی به بررسی تک تک آیات پرداخته می‌شود و در گام نهایی فرآیند کلی سوره و جهت هدایتی سوره بیان می‌شود.

## بیان مسأله

خداوند حکیم همه اشیاء و موجودات را در جهان برای هدف خاصی آفریده است. انسان نیز که اشرف مخلوقات است برای هدف خاصی آفریده شده است. قرب به خدا هدف از خلقت انسان بوده است. البته انسان بر خلاف موجودات دیگر، موجودی مختار است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۴۲۸). خدای تعالی انسان را آفریده، و غایت و هدف



نهایی از خلقت انسان را که همان سعادت او و منتهی درجه کمال او است، تقرب عبودی به درگاه خود قرار داده، همچنان که خود فرمود:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (الذاریات/۵۶)

و این تقرب عبودی همان ولایت الهی نسبت به بنده است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۰۴). از سوی دیگر انسان موجود مدنی بالطبع است. به دلیل این ویژگی انسان‌ها، جامعه‌های انسانی تشکیل می‌شود. خداوند برای حفظ وحدت اجتماعی هدف مشترکی برای جامعه اعلام نموده، و معلوم است که کل جامعه هیچ‌وقت بی‌نیاز از هدف مشترک نیست، و آن هدف مشترک عبارت است از سعادت حقیقی (نه خیالی) و رسیدن به قرب و منزلت نزد خدا (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۵۵). انبیاء الهی به این دلیل آمده‌اند تا حکومت تشکیل دهند و بتوانند جامعه‌های بشری را رشد داده و به سمت هدف اصلی‌شان رهنمون سازند.

یکی از سنت‌های الهی، سنت امتحان و ابتلاء است. بر اساس این سنت تمام بشر می‌بایست امتحان شوند تا معلوم شود که عیار خلوصشان چه قدر است. امتحان الهی برای این است که بشر رشد پیدا کند و به هدف نهایی خلقت نزدیک شود.

خداوند در قرآن در مورد ضرورت امتحان برای بشر می‌فرماید:

﴿أَحْسِبُ النَّاسَ أَنْ يَمُرُّوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾ (العنکبوت/ ۲)

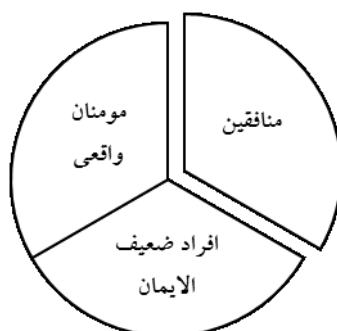
«آیا مردم گمان کردند همین که بگویند ایمان آوردیم به حال خود رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد»

پیامبر خاتم نیز حکومتی اسلامی در مدینه تشکیل داد که مسلمانان در آن زندگی می‌کردند، و هدف این بود که به وسیله این حکومت، مسلمانان و جامعه اسلامی رشد کند. به عبارت دیگر جامعه اسلامی می‌بایست زمینه‌ساز رشد انسان باشد تا افراد در سایه پرچم حاکمی که منصوب خداوند متعال است با سریع‌ترین و بهترین راه به سوی اهداف حرکت کنند. در این راستا در درون جامعه اسلامی، سه طیف افراد وجود دارند:

- ۱- افرادی که مؤمنان واقعی هستند و ایمانشان به خدا و رسولش عمیق است
- ۲- منافقینی که دشمن جامعه اسلامی هستند و به دنبال ضربه زدن و انحراف

جامعه مسلمین هستند

۳- افراد ضعیف الایمانی که نه ایمان مؤمنان واقعی را دارند و نه دشمنی منافقان را در حکومت اسلامی هدف این است که منافقین رسوا شوند تا نتوانند افراد ضعیف الایمان و مردم عادی را به گمراهی بکشانند. در راستای این هدف هم حاکم اسلامی و هم مؤمنان واقعی وظایفی به عهده دارند. در شکل زیر به طور کلی طیف‌های سه‌گانه موجود در جامعه اسلامی نشان داده شده است:



شکل ۱: طیف‌های سه‌گانه موجود در جامعه اسلامی

شاید بشود گفت خطرناک‌ترین دشمنی که انقلاب پیامبران را در طول تاریخ، تهدید کرده و به آن ضربه وارد آورده است منافقان هستند (خامنه‌ای، ۱۳۶۰: ۶). در قرآن کریم در مورد منافقین آمده است:

﴿وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ ۝ يَخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ۝ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۖ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ﴾ (البقره/۸-۱۰)

با توجه به مطالبی که گفته شد جامعه اسلامی همواره در معرض امتحان الهی قرار دارد؛ امتحان‌هایی که دو دسته بازگیر دارد: یک دسته حاکمان الهی و اسلامی که می‌توانند پیامبران و یا جانشینان صالح آنان و همراهان آنان یعنی مؤمنان واقعی باشند و دسته دیگر منافقان هستند. در این امتحانات شرایط به گونه‌ای باید مهیا شود تا کفر و نفاق رسوا شود و سطح ایمان عموم مردم بالا رود و در نتیجه جامعه اسلامی رشد یابد. سوره مبارکه حجرات نیز چنین فضایی را ترسیم می‌کند. شرایطی که منافقین به دنبال تضعیف جایگاه پیامبر و ایجاد تفرقه بین مسلمانان هستند. در این شرایط، سوره با بیان راهبردهای سه‌گانه به مقابله با توطئه منافقان پرداخته است و شرایط را برای رشد

جامعه اسلامی مهیا می‌سازد. در این سوره ضمن بیان راهبرد اصولی و منسجم، وظایف همه اقشار در جامعه اسلامی مشخص شده است که در ادامه مطرح می‌شود.

### نگاهی کلی به سوره حجرات

در ابتدا نگاهی کلی به سوره حجرات انجام می‌گیرد. این نگاه کلی شامل سیاق بندی و مشخص کردن کلامها و جمع‌بندی نکته‌ها و پیام‌های هر سیاق می‌باشد. این نگاه کلی سبب می‌شود نگاهی نظام‌مند به سوره و آیات آن صورت گیرد و با فهم نوع ارتباط این اجزاء با یکدیگر، کل که همان سوره است بهتر فهم شود. در جدول شماره ۱، شمای کلی این سوره در قالب توصیفات کوتاه نشان داده شده است.

جدول ۱: نگاه کلی به سوره حجرات

سیاق‌ها	کلام‌ها	موضوع	جمع‌بندی سیاق
سیاق اول (آیات ۱-۵)	آیه ۱	نهی از پیش افتادن مؤمنان از رهبری الهی جامعه اسلامی	این آیات می‌خواهد جامعه‌ای را طراحی کند که رسول خدا به‌عنوان نماینده خدا در حکم حکومت، شخص اول و جلودار این جامعه به معنای واقعی است و دیگران با رعایت پایین‌تر بودن صدایشان از صدای پیامبر(تنها دستگاه و ابزار حضرت برای فرمان و امر دهی صدای ایشان بوده است) و بالا نبردن صدایشان از صدای پیامبر، آمادگی پیروی از پیامبر را دارند و در غیر این صورت اعمالشان حبط می‌شود.
	آیات ۲-۵	هیچ صدایی نباید از صدای پیامبر بلندتر باشد و حرف برتر را در جامعه باید پیامبر بزند. اگر کسی جامعه اسلامی را به هم زد و یا اگر کسی در جامعه الهی که کسی از جانب خدا حکومت را در دست دارد، فضا را به هم زد، جا دارد که اعمال او حبط شود.	
سیاق دوم (آیات ۶-۱۳)	آیه ۶-۸	قرآن به مؤمنان هشدار می‌دهد که مبدا به خاطر پیروی از سخن یک فاسقی با قوم دیگری از روی جهالت درگیر شوید و بعد هم پشیمان شوید.	در این سیاق فهمیده شد که در فضای این آیات جلو افتادن از پیامبر بوده و این جلو افتادن محصول عدم توجه به جایگاه

سیاق‌ها	کلام‌ها	موضوع	جمع‌بندی سیاق
	آیه ۹-۱۰	آن فاسق اگر مؤمنان را به عرصه درگیری می‌کشد، به عرصه درگیری فعلیت یافته می‌کشاند، به عبارتی فاسق در این درگیری دنبال توسعه دادن درگیری‌ها است. خدا می‌فرماید که شما به این درگیری دامن نزنید و میان طوایف درگیر صلح ایجاد کنید.	والای رسول خدا و او را یکی مثل خودشان دانستن در جامعه است. در جامعه‌ای که مردم از رسول خدا جلو افتاده‌اند و عملاً او را یکی مثل خودشان می‌دانند، مدیریت را فاسقان به دست می‌گیرند. یعنی فاسقان در این جامعه بلندگو به دست می‌گیرند و مؤمنان را بر علیه یکدیگر تهییج می‌کنند.
	آیه ۱۱-۱۲	صرف اینکه این گروه‌ها از پیامبر جلو افتاده‌اند، یک بخش از علت درگیری است، زمینه، یک فضای نامناسب معاشرت با یکدیگر است، و این احزاب نسبت به یکدیگر یک فرهنگی دارند که این فرهنگ مانند خانه باروت است و با یک جرقه کوچک، از جانب فاسقان و با کم‌ترین بی‌توجهی به فرمایشات رهبری جامعه اسلامی این خانه باروت منفجر می‌شود.	فاسقان مدیریت جامعه را در عرض پیامبر به دست گرفته‌اند و نتیجه آن درگیری‌ها و توسعه درگیری‌ها روی بستر بی‌اخلاقی در سطح جامعه اسلامی شده است. سوره اول بیان می‌کند که با رعایت این آداب پشت سر پیامبر بمانید، یعنی اگر این آداب رعایت شود، پشت سر پیامبر می‌مانید، اگر رعایت نشود، پشت سر ایشان نمی‌مانید. قدم دوم این سوره این است که درگیری‌ها را خنثی می‌کند.
	آیه ۱۳	ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست)، گرمی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است.	بعد برای اینکه این درگیری‌ها را خنثی کند بحث برادری مؤمنان و تقوای میان برادران را مطرح می‌کند.
سیاق سوم (آیات ۱۴-۱۶)	آیات ۱۴-۱۶	منتی بوده است که این گروه بر سر پیامبر می‌گذاشتند و خدا هم به آن‌ها	کسی که مؤمن است، از فضای برتر با رسول خدا حرف نمی‌زند،

سیاق‌ها	کلام‌ها	موضوع	جمع‌بندی سیاق
۱۴_۱۸)		می‌فرماید که شما نگویید که ما ایمان آورده‌ایم بلکه بگویید ما تسلیم شده‌ایم و هنوز ایمان در قلب‌های شما وارد نشده است.	مؤمن بر سر رسول منت نمی‌گذارد، سهم خواهی نمی‌کند و راه و روش یاد خدا نمی‌کند
	آیات ۱۷_۱۸	این آیات اضلاع فضا را باز می‌کند: افراد آما می‌گویند. با این آما دنبال تعلیم به پیامبر هستند. آمانی معلمانه آن‌ها از سر منت گذاشتن و از موضع برتر با پیامبر صحبت کردن است. ولی خدا می‌گوید که ما از درون شما آگاهی داریم.	

### بررسی تطبیقی

همان‌گونه که بیان شد برای رشد جامعه اسلامی در امتحانات الهی (به‌خصوص این امتحان الهی که فراموشی جایگاه رسول خدا به عنوان حاکم جامعه اسلامی است) مؤمنان باید در ساحت‌های سه‌گانه تعامل با پیامبر، تعامل با یکدیگر و تعامل با خداوند اصلاحاتی را به وجود بیاورند. در ادامه به‌صورت تطبیقی و آیه به آیه شرایط لازم برای رشد جامعه اسلامی بر اساس تعامل‌های سه‌گانه بیان می‌شود.

### رابطه با پیامبر

آیه اول:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾

لفظ آیه حکایت از تقدم بر خدا و رسول دارد و به نظر می‌آید که مسأله مورد سبقت باید امری مشترک میان خدا و رسول باشد. قرآن، موارد تقدم و پیشی گرفتن بر پیامبر را بیان نکرده است تا شامل نهی از انواع پیش افتادن‌ها در امور عقیدتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیر آن در گفتار و کردار گردد (قرائتی، ۱۳۸۰، ج ۹: ۱۵۵).

علامه طباطبایی در این خصوص به نکته‌ای ظریف اشاره دارد: «تنها امری که مشترک بین خدا و رسول است مسأله حکم دادن یا مقام حکمرانی است که مختص به

الله و رسول او به اذن خداوند است. بنابراین از اهل ایمان طلب می‌کند که همواره به این خصیصه ملتزم باشند که جایی که حکم وحی است از جانب خود حکم نکنند و نه تنها فعل یا ترک آنان، بلکه هرگونه اراده و تصمیم آنان نیز پیرو وحی باشد».

آیات بعد محدوددهای دقیق‌تری را در ارتباط با رسول خدا متذکر می‌شود از جمله صدا را فراتر از صدای او نکردن (ولا ترفعوا، ولا تجهروا، ولو أنهم صبروا) که همگی مصادیقی از روح ادب و تسلیم در برابر چنین جایگاهی است (محدث، ۱۳۸۳: ۴). وقتی گفته می‌شود که از خدا و رسول جلو نیفتید، یا مقدم ندارید در پیشگاه خدا و پیامبر به معنای آن است که خود را در عرصه حکم و حکومت از خدا و رسول جلوتر ندانید و پشت سر ایشان حرکت کنید.

«وَاتَّقُوا اللَّهَ»: حداقل مصداق جلو نیفتادن از رسول خدا، داشتن تقواست. شاید سؤالی به ذهن برسد که چرا اول نهی را آورده و بعد امر را، به دلیل اینکه در فضای جامعه اقتضای نهی وجود دارد؛ فضای سخن در سوره حجرات فضایی است که این جلو افتادن‌ها در جامعه اسلامی آن روز، دارد مرسوم می‌شود و رسول خدا در آن فضا دارند منزوی می‌شوند و مردم به راحتی از ایشان پیشی می‌گیرند.

«إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»: دلیل اینکه سمیع بودن خدا مطرح شده است، این است که حرف و حدیث‌هایی در میان شما هست که مصداق جلو افتادن شما از پیامبر و مصداق بی‌تقوایی است و خدا آن‌ها را می‌شنود.

آیه دوم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ﴾

«یا ایُّها الذین آمنوا لا ترفعوا أصواتکم فوق صوت النبی»: در این جامعه دینی و اسلامی، که یک نفر از طرف خدا حکم حکومت دارد و ولی جامعه است، هیچ صدایی نباید از صدای او بلندتر باشد و حرف برتر را در جامعه باید او بزند.

«وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ»: این عبارت رساننده این است که دیگران نه فقط نباید بلندتر از او حرف بزنند، بلکه صدای آن‌ها هم نباید هم‌عرض صدای او باشد.

«أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ»: اگر صدای شما بالاتر از صدای پیامبر باشد یا مساوی با صدای ایشان باشد، ما اعمال شما را حبط می‌کنیم و خودتان هم نمی‌فهمید.  
آیه سوم:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُعْضُونَ أَسْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ﴾

در جامعه‌ای که صدای پیامبر از همه صداها بلندتر است، در این جامعه تقوای پیروی از پیامبر حاصل می‌شود، اما در جامعه‌ای که بلندگوی پیامبر یا صدای پیامبر در لابه‌لای صداها دیگر محو شده است یا به خاطر اینکه صداها دیگر بلندتر از صدای ایشان است و یا به خاطر اینکه صداها دیگر هم‌عرض با صدای پیامبر است، در این جامعه تقوای جلو نیفتادن از پیامبر آسیب می‌بیند و اگر در جامعه فضای تقوای جلو نیفتادن از پیامبر بود، پیروی هست و اگر نبود، پیروی نیست. پس جا دارد که اگر کسی این جامعه را به هم زد و یا اگر کسی در جامعه الهی که کسی از جانب خدا حکومت را در دست دارد، فضا را به هم زد، جا دارد که اعمال او حبط شود.  
آیه چهارم:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتَأَدُّونَكَ مِنْ وَّرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ﴾

مراد از این آیه می‌تواند این باشد که برخی از افراد بودند که از پشت دیوارها پیامبر اسلام را صدا می‌کردند؛ این کار خودش فی نفسه بی‌ادبی است! از جهت دیگر سخن این است که او می‌خواهد با پیامبر صحبت کند، مستقیم با او حرف نمی‌زند و صدای خود را از پشت دیوار به گوش ایشان می‌رساند. این کار نوعی تضعیف جایگاه نبی اکرم در جامعه اسلامی است. این نوع اعمال، ناشی از فقدان عقلانیت اسلامی است که به عاقبت کار خویش نمی‌اندیشند.

آیه پنجم:

﴿وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

«و اگر آن‌ها صبر می‌کردند تا تو به سوی آن‌ها خارج شوی، برای آن‌ها بهتر بود و خدا بخشاینده مهربان است»

مراد این آیه این است که آن‌ها نه تنها نباید از پشت دیوارها و سایت‌ها و روزنامه‌ها با تو حرف بزنند، بلکه صبر کنند تا تو پیش آن‌ها بروی و از آن‌ها نظرشان را بپرسی! مراد از «غفور رحیم» است این است که اگر کسی از این کار دست کشید و از راهی که می‌رفت برگشت، راه برگشت برای او باز است و خدا توبه و بازگشت او را می‌پذیرد.

### جمع‌بندی سیاق اول

ای مؤمنان صدای خویش را از صدای رسول مکرم اسلام بالاتر نبرید و با ایشان مانند یکی از افراد هم‌سطح خود بلند سخن نگویند، زیرا آمادگی رعایت تقوای الهی تنها برای کسانی فراهم است که صدای خود را در نزد آن حضرت کوتاه می‌کنند. در بررسی سیاق اول این نتیجه به دست می‌آید که از رسول خدا جلو نیفتید و برای اینکه جلو نیفتید، صداهایتان باید از صدای رسول خدا پایین‌تر باشد. یعنی این آیات می‌خواهد جامعه‌ای را طراحی کند که رسول خدا به عنوان نماینده خدا در حکم حکومت، شخص اول و جلودار این جامعه به معنای واقعی است و دیگران با رعایت پایین‌تر بودن صدایشان از صدای پیامبر و بالا نبردن صدایشان از صدای پیامبر، آمادگی پیروی از پیامبر را دارند که همان تقوای پیروی از پیامبر است.

### رابطه مؤمنان با یکدیگر

آیه ششم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَوْا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ  
نَادِمِينَ﴾

آری اگر در جامعه‌ای جایگاه رهبر جامعه مورد خدشه وارد شد و صداها‌ی زیادی هم ردیف صدای او قرار گرفت. در نتیجه نمی‌توان او امر او را به راحتی تشخیص داد و امثال امر کرد. در چنین فضایی فاسقان دست به کار شده و با بلندگوی خود که هم‌سطح بلندگوی پیامبر و رهبر جامعه شده است امر و نهی می‌کنند و مؤمنان را برای درگیر شدن با قوم دیگر تهییج می‌کنند، و قرآن به مؤمنان هشدار می‌دهد که مبادا به



خاطر پیروی از سخن یک فاسقی با قومی از روی جهالت درگیر و بعد هم پشیمان شوید.

آیه هفتم:

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ﴾

در جامعه‌ای که مردم از رسول خدا جلو افتاده‌اند و عملاً او را یکی مثل خودشان می‌دانند، مدیریت را فاسقان به دست می‌گیرند. یعنی فاسقان در این جامعه بلندگو به دست می‌گیرند و مؤمنان را بر علیه یکدیگر تهییج می‌کنند. این آیه به مردم نهیب می‌زند که به هوش باشید که پیام‌آور خداوند در بین شماست!

«لو يطيعكم في كثير من الأمر لعنتم»: این عبارت می‌رساند که مردم به پیامبر فشار آورده بودند تا ایشان را مطیع خودشان کنند، و خدا به آن‌ها می‌فرماید که انتظار نداشته باشید که پیامبر از شما تبعیت کند، اگر قرار باشد که در بسیاری از امور پیامبر از شما تبعیت کند، خود شما به زحمت می‌افتید.

قرآن می‌فرماید که دنبال فاسق راه نرو و به دنبال رسول خدا حرکت کن و سراغ ایشان هم که آمدی طوری رفتار نکن تا مراد و مقصود آن فاسق را به پیامبر تحمیل کنی! بلکه برای اطاعت کردن از او سراغ ایشان بیا.

نکته دیگر اینکه جمله‌های قبل به صورت خطاب به مؤمنان بود، اما این جمله از آن‌ها به صورت غایب یاد می‌کند، این تفاوت تعبیر ظاهراً برای این است که نشان دهد این حکم اختصاص به یاران پیامبر ندارد، بلکه قانونی همگانی است که هر کس در هر عصر و زمان صفای فطرت خویش را حفظ کند اهل نجات و هدایت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۱۶۱).

آیه هشتم:

﴿فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾

یعنی وجود پیامبر اسلام در جامعه اسلامی که در مقابل خواسته‌های منافقان مقاومت و استقامت می‌کند فضل و نعمتی الهی است و فقط خدا است که حکمت این کار را می‌داند.

آیه نهم:

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا  
الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ  
الْمُقْسِطِينَ﴾

از این آیه فهمیده می‌شود که فاسقان با مخدوش ساختن جایگاه رسول خدا به دنبال توسعه‌ی درگیری‌ها هستند؛ خداوند می‌فرماید که شما به این درگیری دامن نزنید و میان طوایف درگیر صلح ایجاد کنید.

طایفه به معنای گروه‌ها است، یک بار هست که طایفه به معنای عرب و عجم و ترک و کرد و ... است و یک بار هم همان حزب و گروه‌هایی است که در جامعه ایمانی وجود دارند. تمام این مواردی که خدا به مؤمنان دستور رعایت آن را می‌دهد، به شرط تبعیت از رسول خدا امکان‌پذیر است که فرمود «واعلموا أن فيكم رسول الله» (حجرات، ۷).

آیه دهم:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوِيكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (حجرات / ۱۰)

تقوای مطرح‌شده در این آیه تقوای دوم در این سوره است، تقوای اول ولایت‌پذیری بود و تقوای دوم، برادری زیر سایه ولایت. به دنبال اطاعت از رسول خداست که این برادری ایمانی ایجاد می‌شود.

خداوند تنازع و درگیری بین مسلمانان را بر نمی‌تابد؛ زیرا موجب سستی، از بین رفتن شخصیت و عزت و شکست در برابر دشمن می‌شود. بر اساس این وحدت و یکپارچگی، از دیدگاه قرآن نوعی اقتدار ایجاد می‌شود که دشمن چنان می‌هراسد که خیال تعرض به مسلمانان را از سر به در کند (محمدی آشنایی، ۱۳۸۴: ۲۶).

آیه یازدهم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ  
أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بئس الاسم الفسوق بعد الإيمان  
وَمَنْ لَمَّ يَتَّبِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾

این آیه نسبت به آیه پیشین ریشه‌ای‌تر برخورد می‌کند: صرف اینکه این گروه‌ها از پیامبر جلو افتاده‌اند، یک بخش از علت درگیری است، زمین فضای نامناسب معاشرت با

یکدیگر است، و این احزاب نسبت به یکدیگر فرهنگی دارند که مانند خانه باروت است و با جرقه کوچکی، از جانب فاسقان و با کم‌ترین بی‌توجهی به فرمایشات رهبری جامعه اسلامی این خانه باروت منفجر می‌شود. به عبارت دیگر وقتی که ادب رایج در محیط ارتباطی مؤمنان با یکدیگر مورد خدشه واقع شده باشد و اینگونه شده باشد که هر کس به خود اجازه می‌دهد که با دیگران به هر نحوی که می‌خواهد صدا بزند و ارتباط برقرار کند، کم‌کم این شیوه رفتاری از رابطه بین مردم به رابطه بین مردم و حاکم جامعه کشانده خواهد شد به این صورت که خواهند گفت او هم فردی است مثل ما و چرا باید از او تبعیت کنیم؟ و این می‌شود همان بحرانی (فراموشی جایگاه رهبر) که در اول سوره به آن اشاره شده بود. در نتیجه این آیه به مثابه ریشه تمامی این بحران‌ها است و سوره خواسته است تا همان‌گونه که آتش اولیه بحران را خاموش می‌کند. ریشه بحث را نیز شناسایی کرده و آن را نیز رفع کند تا رفع مشکل از مبنا و پایه صورت گرفته باشد و در آینده نیز دوباره این مشکل پیش نیاید.

آیه دوازدهم:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا يٰحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ﴾

در آیه قبل بهانه‌ای برای مسخره کردن، عیب‌جویی و اسم فسق گذاشتن روی یکدیگر وجود داشته است ولی در این آیه یک لایه عمیق‌تر می‌شود و می‌فرماید که انگار دنبال بهانه می‌گردید و اگر در کسی دست آویزی برای مسخره کردن یا عیب‌جویی کردن وجود نداشته باشد، ریشه‌یابی می‌کنید و آن را پیدا می‌کنید.

### جمع‌بندی سیاق دوم

ای مؤمنان از سوء ظن و تجسس و غیبت بپرهیزید که این صفات ردیله، زمینه آشکار شدن عیوب مؤمنان برای شما و دیگران را فراهم می‌آورد و بدین ترتیب فضای تمسخر و اشاره به عیوب و فاسق خواندن یکدیگر شکل می‌گیرد. اگر این مشکل در میان خودتان حل نشود به ارتباطات دیگر تسری پیدا کرده و موجب مشکلات دیگر می‌شود.

تا اینجا این سوره دو کار اساسی انجام داده است:

• اولاً، با توجه به شکسته شدن جایگاه رسول خدا به‌عنوان رهبر جامعه اسلامی، به تبیین و روشن کردن اهمیت جایگاه حضرت رسول در جامعه و حساسیت آن اشاره می‌کند.

• ثانیاً، به دنبال این حادثه، فاسقان، مدیریت جامعه را در عرض پیامبر به دست گرفته‌اند و در نتیجه موجب ایجاد درگیری و توسعه آن در بستر بی‌اخلاقی‌های موجود در جامعه اسلامی شده است.

سوره اول بیان می‌کند که با رعایت این آداب پشت سر پیامبر بمانید، یعنی اگر این آداب رعایت شود، پشت سر پیامبر می‌مانید، اگر رعایت نشود، پشت سر ایشان نمی‌مانید. قدم دوم این سوره این است که درگیری‌ها را خنثی می‌کند.

نکاتی که در مورد تعامل مؤمنین با یکدیگر مطرح شد عبارت‌اند از:

- ای مؤمنان برادری خود را تثبیت کنید
- پشت سر رهبری الهی رسول خدا قرار بگیرید تا جاهلانه درگیر نشوید
- میان طوایف درگیر صلح و آشتی برقرار کنید
- از روابط اجتماعی خود آسیب زدایی کنید تا به اختلاف و تنش منتهی نشود
- زمینه بروز آسیب در روابط اجتماعی را خنثی کنید (مانند تجسس نکردن)
- بر یکدیگر برتری نجوید و برتری را تنها در تقوا جست‌وجو کنید، تا ریشه هر نزاع جاهلانه‌ای در میان شما خشک شود

### رابطه مؤمنان با خداوند

آیه سیزدهم:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾

علت اینکه در این آیه با «یا ایها الناس» مؤمنان را مورد خطاب قرار می‌دهد این است که سخنی که می‌خواهد بگوید ربطی به مؤمن بودن یا نبودن ندارد. می‌فرماید که ای انسان‌ها ما شما را از یک مرد وزن آفریده‌ایم، و اگر شما را قبیله قبیله و گروه گروه قرار دادیم، تا اینکه زندگی شکل بگیرد. لازم به ذکر است که باید توجه داشت که باتقواترین

افراد در این سوره کسانی هستند که پشت سر ولی هستند، باتقواترین افراد کسانی هستند که علیه ولی دنبال فاسق راه نمی‌افتند و اهرم فشار ولی قرار نمی‌گیرند. باتقواتر از همه کسی است که بیش‌تر از همه اطاعت از ولی می‌کند و با تقواتر از همه کسی است که بیش‌تر از همه برادری و اخوت را در چهارچوب منویات ولی رعایت می‌کند.

آیه چهاردهم:

﴿قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾

در معنی «الاعراب» برخی گفته‌اند که بادیه‌نشین‌ها، در این مقال، این نظر رد نمی‌شود ولی علت اینکه بحث را روی الاعراب بودن می‌آورد، به این خاطر است که عربیت و نگاهی که به نژاد خودشان دارند، برایشان مهم است. «آمنا» منتی بوده است که این گروه بر سر پیامبر می‌گذاشتند و خدا هم به آن‌ها می‌فرماید که شما نگویید که ما ایمان آورده‌ایم بلکه بگویید ما تسلیم شده‌ایم و هنوز ایمان در قلب‌های شما وارد نشده است.

آیه پانزدهم:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ﴾

در این آیه ویژگی‌های مؤمنان واقعی را بیان می‌کند که عبارت است از:

- عدم تردید و دودلی نسبت به خدا و رسولش
- آماده فرمان‌برداری و جهاد با مال و جان در راه خداوند
- صداقت دارند

آیه شانزدهم:

﴿قُلْ اتَّعَلَّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يُعَلِّمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾

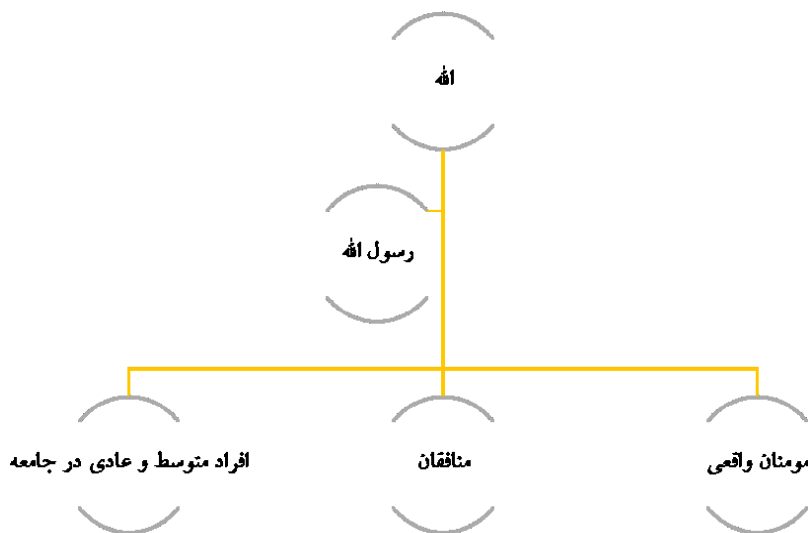
یاد دادن چیزی به خدا به طور مستقیم، معنا ندارد و یاد دادن به خدا در یاد دادن به پیامبر مصداق پیدا می‌کند، این آیه نشان می‌دهد که این‌ها می‌گفتند که آما و بعد دین خود را به پیامبر یاد می‌دادند.

این آیات اضلاع فضا را باز می‌کند: افراد آmena می‌گویند. با این آmena دنبال تعلیم به پیامبر هستند. آmenaی معلمانه آنها از سر منت گذاشتن و از موضع برتر با پیامبر صحبت کردن است. خداوند در این آیه می‌فرماید که شما منت بر سر پیامبر می‌گذارید که ما مسلمانییم، ولی خدا بر سر شما منت می‌گذارد که به ایمان هدایتان می‌کند، آن هم اگر راست بگویید.

اظهار اسلام و تظاهر به مسلمانی و سوابق خود را در حضور رهبر، منت‌گذاری بر او و انتظار متقابل داشتن از اوست درحالی که مقصود نهایی از دعوت دینی و ایمان به خدا، ملزم شدن به لوازم ایمان و تعهد عملی به آن است (محدث، ۱۳۷۰: ۱۷).

### فرآیند کلی سوره حجرات

گفته شد که جامعه اسلامی باید در مسیر تقرب به خدا حرکت کند. به عبارت دیگر مسیر رشد جامعه اسلامی در حرکت به سوی خدا است. در جامعه اسلامی که حاکمیت آن با حاکم الهی است سه دسته افراد قرار دارند: مؤمنان واقعی، منافقان، افراد عادی و متوسط جامعه. در شکل زیر این سلسله مراتب نشان داده شده است.



شکل ۲: طیف شناسی جامعه اسلامی

در حکومت اسلامی هدف این است که منافقان رسوا شوند و از طرف دیگر فهم، شعور و ایمان افراد متوسط جامعه، بالا برود تا اولاً بازیچه منافقان قرار نگیرند و ثانیاً

بتوانند در مسیر قرب الی الله قرار گرفته و رشد پیدا کنند. همچنین مؤمنان واقعی نیز در این حوادث و ابتلائات باید امتحان شوند و با جان و مال خودشان از دین خدا و حکومت الهی حمایت کنند.

حالت آرمانی آن است که همه مردم از حاکم الهی در جامعه اسلامی پیروی کنند تا به سعادت و رشد برسند؛ ولی در واقعیت اینگونه نیست و جامعه اسلامی صحنه درگیری بین منافقان و حاکم الهی است. در این درگیری‌ها باید حاکم جامعه اسلامی و مؤمنان به گونه‌ای رفتار کنند که منافقان را رسوا ساخته و زمینه را برای رشد و تعالی جامعه اسلامی فراهم سازند.

در واقعیت منافقین به دنبال این هستند که جامعه را از مسیر رشد خارج کنند و خودشان مدیریت را به دست بگیرند برای این منظور سه کار را انجام می‌دهند که در شکل زیر نشان داده شده است:



شکل ۳: راهبرد منافقین برای ایجاد درگیری در سطح جامعه اسلامی

سوره حجرات برای مقابله با چنین فضایی راهبردهایی را ارائه می‌دهد. یعنی در فضایی که جایگاه رسول خدا تضعیف شده است و فاسقان مدیریت جامعه را به دست

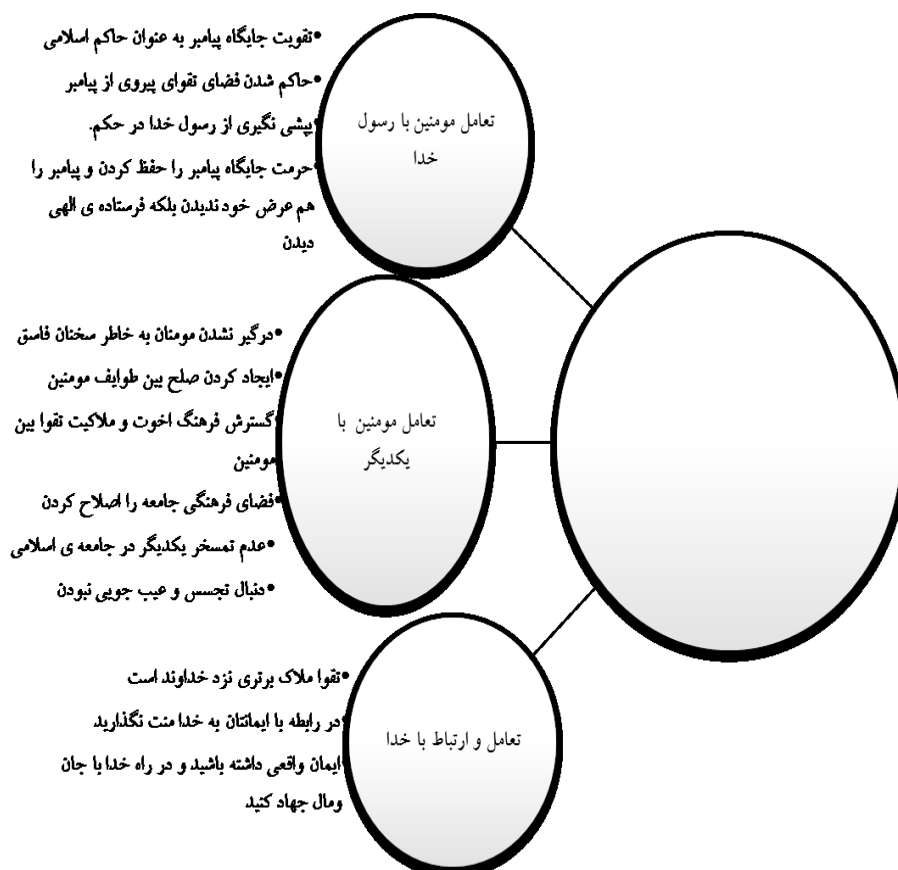
گرفته‌اند این سوره با ارائه راه‌حلهایی به دنبال این است که مدیریت را از فاسقان گرفته و مؤمنان را در مسیر پیروی از حاکم اسلامی قرار دهد تا بتوانند رشد کنند. برای این منظور سه راهبرد ارائه شده است که مبتنی بر تعاملات افراد در جامعه اسلامی است. این سه راهبرد تعاملی عبارت‌اند از:

۱- تعامل و ارتباط مؤمنان با رسول خدا به عنوان حاکم اسلامی

۲- تعامل و ارتباط مؤمنان با یکدیگر

۳- تعامل و ارتباط مؤمنان با خدا

با توجه به سه راهبرد، راهکارهایی ارائه می‌شوند که در نمودار زیر نشان داده شده است:



شکل ۴: راهبردهای قرآنی برای رشد جامعه اسلامی



## نتیجه بحث

در سیاق اول فضای سخن این بود که در میان مؤمنان پیشی گرفتن از رسول خدا در مقام حکومت باب شده بود و قرآن دستور می‌دهد که از ایشان پیشی نگیرید و پشت سر ایشان حرکت کنید. برای تحقق این امر باید صدای خود را از صدای پیامبر بلندتر نکنید و حتی صدای مؤمنان نباید هم‌عرض با صدای ایشان باشد. در فضایی که از سوی مردم به جایگاه رسول خدا بی‌توجهی یا کم‌توجهی می‌شده، فضایی برای جولان دادن فاسقان در جامعه حاصل می‌شود و فاسقان یک خبر دروغ به مؤمنان می‌دهند تا این‌ها را باهم درگیر کنند. خداوند متعال در این قسمت به مؤمنان دستور می‌دهد که پشت سر فاسقان راه نیفتند و خبر رسیده از آن‌ها را تحقیق کنند و پشت سر پیامبر حرکت نکنند، و وقتی که سراغ پیامبر آمدید، مطیعانه سراغ ایشان بیایید و ایشان را به موضع انفعال نکشانید و از ایشان نخواهید که از فاسقان تبعیت کند. پس برای سکان‌داری فاسقان میدان ندهید و با پیروی از پیامبر این درگیری‌ها را به اصلاح عادلانه و مقسطانه‌ای منتفی کنید، و بر اساس برادری اصلاح کنید.

در گام بعدی، اخلاق اجتماعی را که به آن کم‌توجهی می‌شد و همین عامل و زمینه درگیری می‌شد را مورد توجه قرار می‌دهد که همدیگر را مسخره نکنید و اسم فسق روی هم نگذارید و از این کارها توبه کنید. بعد در یک لایه عمیق‌تر بیان می‌کند که سوءظن نسبت به یکدیگر نداشته باشید، تجسس نکنید و غیبت نکنید. در لایه بعدی می‌فرماید: اساس اخوتی که خداوند مطرح می‌کند این است که شما از یک پدر و مادر خلق شده‌اید و شما را شعبه شعبه و فرقه فرقه و قبیله قبیله بودن‌تان، صرفاً برای تحقق زندگی است و معیار برتری تقواست. مراد از تقوا را هم در سوره بیان کرده بود که چیست، مراد، تبعیت از رسول خدا به‌عنوان نماینده خدا در حکم حکومت و برادری با یکدیگر در زیر سایه رهبری الهی جامعه اسلامی است. مدعیان ایمان که در فضای منت‌گذاری بر پیامبر خدا، دیندار پنداری خود را به آن حضرت تعلیم می‌دهند، این‌ها مؤمن نیستند و برخوردشان از موضع منت و محبت بیجاست، خداوند عالم غیب، این جریان را افشا کرد تا اثرات سوء آن را خنثی سازد و جامعه اسلامی را از گزند بحران‌ها در مسیر رشد رهایی بخشد.

## کتابنامه

### قرآن کریم.

- خامنه‌ای، سید علی. ۱۳۶۰ش، منافقین؛ دشمنان حکومت اسلامی (خطبه‌های نماز جمعه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای)، تهران: انتشارات دفتر حزب جمهوری اسلامی.
- عسگری، ابوهلال. ۱۳۱۲ق، معجم الفروق اللغویه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- قرائتی، محسن. ۱۳۸۰ش، تفسیر نور (دوره ده‌جلدی)، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرائتی، محسن. ۱۳۸۳ش، تفسیر سوره حجرات، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۹۱ش، حقوق و سیاست در قرآن، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی. ۱۳۸۹ش، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- موسوی همدانی، سید محمد باقر. ۱۳۷۴ش، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- نقی پورفر، ولی‌الله. ۱۳۸۱ش، پژوهشی پیرامون تدبر در قرآن، قم: انتشارات اسوه.

## مقالات

- دیالمه، نیکو. ۱۳۹۲ش، «خردورزی در هندسه معرفتی تفسیر سوره حجرات»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات تفسیری، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۵۱-۶۶.
- کرمی، مرتضی؛ شریعتی، سید صدرالدین؛ اسمعیلی، معصومه. ۱۳۹۲ش، «بررسی اصول روابط بین فردی بر اساس آموزه‌های اخلاقی - اجتماعی سوره حجرات و مدل‌یابی محتوایی از این آموزه‌ها»، فصلنامه روانشناسی تربیتی، سال نهم، شماره ۲۹، صص ۱۰۹-۱۴۸.
- لطیفی، میثم. ۱۳۹۰ش، «روش‌شناسی راهبردهای تدبر در قرآن کریم: استقرایی از پژوهش‌های میان‌رشته‌ای مدیریت اسلامی در دهه اخیر»، اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱۰، صص ۲۵-۵۵.
- محدث، سید هادی. ۱۳۸۳ش، «تدبر در آیات قرآن»، فصلنامه آموزش قرآن، شماره ۵، صص ۳-۵.
- محدث، سید هادی. ۱۳۷۰ش، «ارکان حکومت اسلامی و منشور نظام اجتماعی اسلام (در سوره حجرات)»، فصلنامه تربیت، شماره ۷، صص ۱۶-۱۹.
- محمدی آشنایی، علی. ۱۳۸۴ش، «جامعه سازی دینی در سیره نبوی»، فصلنامه اندیشه تقریب، شماره ۱۰، صص ۱۹-۴۰.

ممتحن، مهدی؛ سلطانی، اختر و علی مرادیان، مهرداد. ۱۳۹۰ش، «علل انحطاط فرهنگی از دیدگاه قرآن»، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره دوم، شماره پنجم، صص ۱۴۵-۱۷۲.

### **Bibliography**

- Gharaati, Mohsen. 1380 Sb. Noor interpretation .Tehran: Lessons from the Quran Cultural Center
- Gharaati, Mohsen. 1383 Sb. Interpretation of Sura Hojorat. Tehran: Lessons from the Quran Cultural Center.
- Hamadani Mousavi, Seyed Mohammad Baqer. 1374 Sb. Translation of Al-Mizan. Qom: Islamic Publications Office of the Society of Seminary Teachers.
- Khamenei, Ali. 1360 Sb. Hypocrites, enemies of the Islamic government (speach Friday Prayers Ayatollah Khamenei). Tehran: Publications Office of the Islamic Republic Party.
- Makarem Shirazi, Naser 1374. Nemooneh interpretation. Tehran: of books Alaslamiyh
- Mesbah Yazdi, MT. 1391 Sb. Law and Policy in the Quran. Qom: Publication of Imam Khomeini Education and Research Institute.
- Motahhari, Mortaza. 1389 Sb. The collection of Shahid Motahhari. Tehran: Sadra.
- Naghipour oven, Valiollah 1381. Research on contemplation of quran. Qom: osveh publishing.

### **Articles**

- Diyalameh, Nico. 1392 Sb. "Epistemic rationality in geometry interpretation of Sura cells." Journal of interpretive studies, Issue 13, pp. 51-66.
- Karami, M., law, Syed Sadruddin, Ismail M. 1392 Sb. "The moral teachings based on the principles of interpersonal relationships - social Chambers sura and modeling of the Teaching Content", Journal of Educational Psychology, Vol. IX, Issue 29, Pages 109-148
- Latifi, Meysam. 1390 Sb. "The methodology of reflection strategies in the Holy Quran: Inductive Islamic manage interdisciplinary research in the last decade," the idea of strategic management, Issue 10, pp. 25-55.
- Mohades, Seyed Hadi. 1383 Sb. "Reflection on the Quran." Journal of Quranic education, (5). Pages 3-5.
- Mohades, Seyed Hadi. 1370. "Pillars of the Islamic state and social system of the Charter of Islam (Sura cells)." Journal of Education, No. 7, pp. 16-19.
- Mohammadi ashnaei, Ali. 1384 Sb. "The religious community Seerah '. Quarterly idea of approximation, No. 10, pp. 19-40.
- momtahn, M, Soltani, Akhtar Ali Muradian, 1390 M. Sh. Cultural degeneration causes the Quran. Journal of Qur'anic Studies, Volume II, Issue V, pp145-172.